

سرمایه اجتماعی

در دو نظام

سرمایه داری و سوسیالیستی

ف. م. جوانشیر

فصل دهم - بازتولید سرمایه اجتماعی

۳- بازتولید گسترده سرمایه اجتماعی

در بازتولید گسترده چنانکه می‌دانیم، دامنه تولید گسترش می‌یابد. به این معنا که سرمایه داران همه اضافه ارزشی را که به چنگ می‌آورند به مصرف شخصی نمی‌رسانند، بلکه بخشی از آن را انباشته و به سرمایه خود الحق می‌کنند و امر تولید را هر بار با سرمایه بزرگ و بزرگتری آغاز می‌نمایند.

فرض می‌کنیم سرمایه اجتماعی در بخش ۱ مانند مثال قبلی به شرح زیر بکار افتاده باشد:

$$\begin{aligned} \text{وسایل تولید} &= c_1 + v_1 + m_1 \\ &\quad \text{بخش ۱} \\ &= ۴۰۰۰ + ۱۰۰۰ + ۱۰۰۰ = ۶۰۰۰ \end{aligned}$$

زمانی که بازتولید ساده بود، سرمایه داران همه v_1 را به مصرف شخصی می‌رسانندند. اما برای اینکه بازتولید گسترش یابد آن‌ها مجبورند اضافه ارزش m_1 را که به چنگ آورده‌اند دو قسمت کنند:

- یکی درآمد، که به مصرف شخصی می‌رسانند و دیگری انباشت که به سرمایه اصلی الحق می‌کنند.

فرض می‌کنیم سرمایه داران بخش ۱ (تولید وسایل تولید) اضافه ارزشی را که بدست آورده‌اند به نسبت مساوی میان درآمد و انباشت تقسیم کنند. در آن صورت چنین خواهیم داشت:

$$\begin{aligned} &\text{انباشت یا سرمایه الحقی} \\ &\text{درآمد سرمایه دار (صرف شخصی سرمایه دار)} \\ &m_1 = 1000 \quad \begin{array}{c} \nearrow 500 \\ \searrow 500 \end{array} \end{aligned}$$

اگر ترکیب ارگانیک سرمایه تغییر نکند، سرمایه الحقی نیز مانند سرمایه اصلی به نسبت چهار برابر پیک بین سرمایه ثابت و متغیر تقسیم خواهد شد. در آن وقت فرمول بخش ۱ بصورت زیر در خواهد آمد:

$$6000 = 500 + 500 + (1000 + 400) + (4000 + 400)$$

به این ترتیب بخش ۱ دیگر از بخش ۲ مانند سابق ۲۰۰۰ تومان خرید نخواهد کرد و چنانکه در فرمول فوق می‌بینیم تنها ۱۶۰۰ تومان خرید خواهد کرد که پانصد تومان آن مصرف سرمایه داران و ۱۱۰۰ تومان آن مصرف کارگران است. ۱۰۰ تومان برای کارگران قبلی و ۱۰۰ تومان برای کارگرانی که بر اثر گسترش تولید تازه استخدام شده‌اند و چون بخش ۲ فقط انقدر می‌تواند از بخش ۱ وسایل تولید بخرد که وسایل مصرف به آن

فروخته است، پس سرمایه ثابت بخش ۲ (هم سرمایه ثابت قبلی و هم سرمایه ای که بر اثر انباشت به آن اضافه می شود) باید ۱۶۰۰ تومان باشد.

سرمایه داران بخش ۲ نیز نمی توانند در بازار تولید گسترش ده، همه اضافه ارزشی را که به چنگ می آورند به مصرف شخصی برسانند. آنان نیز مجبورند این اضافه ارزش را به دو قسمت کنند: درآمد و انباشت.

این سرمایه داران در باز تولید ساده همه اضافه ارزشی را که به چنگ می آورند به مصرف شخصی می رسانند. یعنی از محصولات بخش ۲ خودشان خرید می کرند. اما اینکه باز تولید گسترده دارند. فقط درآمد خود را از محصولات این بخش خرید کرده و انباشت را که به سرمایه الحق کرده اند از وسایل تولید (بخش ۱) خرید خواهند کرد. نتیجه اینکه در باز تولید گسترده (در مقایسه با باز تولید ساده) بخش ۲ درمجموع خویش نسبت به بخش ۱ ضعیف تر می شود و ترکیب ارگانیک سرمایه نیز در این بخش درسطح پایین تری خواهد بود.

گفتیم که در مثال مورد بررسی، بخش ۱ از بخش ۲ فقط ۱۶۰۰ تومان خرید می‌کند و لذا بخش ۲ نمی‌تواند سرمایه ثابتی بیش از ۱۶۰۰ تومان بخرد. و اگر توازن میان دو بخش برقرار باشد فرمول احتمالی بخش ۲ در حالی که همان محصول کل ۳۰۰۰ تومانی را تولید کند چنین خواهد بود:

$$\begin{array}{r}
 \text{بخش ۱۵۰۰} + ۷۷۵۰ + ۷۵۰ = ۳۰۰۰ \\
 \text{---} \\
 \text{---} - ۱۶۰۰ + ۸۰۰ + ۸۰۰ = ۳۲۰۰ \\
 \text{---} \\
 ۲۴۰ = ۱۶۰ + ۸۰ \\
 \text{---} \\
 m2 = ۸۰۰
 \end{array}$$

شرط سامان یاب چنین است:

$$(2400 + 240) + (1100 + 110) + 550 = 6900 \quad > 9800$$

$$(1600 + 160) + (800 + 80) + 560 = 3200 \quad < 9800$$

و همین ترتیب در سال سوم، چهارم و غیره.
چنانکه ملاحظه می کنید تناسب هایی که لازم است میان دو بخش سرمایه اجتماعی
برقرار باشد تا باز تولید گسترده انجام گیرد با تناسب هایی که در باز تولید ساده داشتیم تفاوت
دارد.

۱- در باز تولید ساده داشتیم: $v1+m1=c2$
در باز تولید گستردہ باید: $c2 < v1+m1$ بزرگتر است
یعنی اینکه قسمتی از ارزش نوین حتما باید ذخیره شود. در باز تولید گستردہ انباشت اجباری است.

$$c_1 + v_1 + m_1 = c_1 + c_2$$

در باز تولید گسترده باید داشته باشیم:

$$c_1 + v_1 + m_1 > c_1 + c_2$$

یعنی اینکه وسایل تولید باید بیشتر از آنچه به مصرف مولد رسیده است تولید شود.

۱- در باز تولید ساده داشتیم:

$$v_1 + m_1 + v_2 + m_2 = c_2 + v_2 + m_2$$

در باز تولید گسترده باید داشته باشیم:

$$v1+m1+v2+m2 > c2+v2+m2$$

یعنی اینکه همه ارزش نوین تولید شده در دو بخش باید بیش از ارزش وسائل مصرفی باشد که تولید شده است.

۴- تضادهای بازتولید سرمایه اجتماعی

مارکس در بررسی تولید سرمایه داری، نمونه درخانی از تجرید و انتزاع علمی به دست می دهد. او چنانکه هم اکنون در بررسی شرایط سامان یابی در باز تولید ساده و باز تولید گسترده دیدیم، چندین محمل ضرور را جزو مفروضات می گیرد و از جمله فرض می کند که:

۱- جامعه سرمایه داری خالص بوده و تنها از دو طبقه کارگر و سرمایه دار تشکیل شده باشد.

۲- کالاها برابر ارزش آن ها فروخته شوند و ارزش کالاها در تمام دوران گردش تغییر نکند.

۳- ترکیب ارگانیک سرمایه ثابت بماند.

با چنین مفروضاتی است که مارکس ابتدا باز تولید ساده و سپس باز تولید گسترده سرمایه داری را مورد بررسی قرار داده و آن شرایط ایدآل و آرمانی را که لازم است تا باز تولید سرمایه اجتماعی بی وقفه جریان یابد ارائه می دهد. او ثابت می کند:

اولاً - سرمایه داری قادر است بازار لازم برای کالاهایی که تولید می کند به وجود آورد و محصول کل اجتماعی را سامان دهد.

ثانیا - سامان یابی محصول اجتماعی سرمایه داری حتی در جامعه تجریدی و ایدآل نیز به آسانی و بدون تضاد انجام نمی گیرد و شرایط ضرور برای بازتولید بی وقفه با دشواری ها و عدم تناسب ها و توازن ها توأم است. مارکس می گوید:

"همه محمل های ضرور بازتولید، که متقابلاً بهم منوط و مشروطند، از طریق روند بسیار بغرنجی فراهم می آیند..."

بغرنجی فراوان این روند خود دلایل فراوانی به دست می دهد که جریانش عادی نباشد^(۱)"

لنین در توضیح تئوری سامان دهی مارکسیستی می گوید:

"تئوری تجریدی سامان دهی (الیزاسیون) فرض می کند و باید فرض کند که محصول به طور متناسبی میان رشته های گوناگون تولید کاپیتالیستی توزیع می شود. اما تئوری سامان دهی، با وجود چنین فرضی، به هیچ روی ادعا نمی کند که در جامعه سرمایه داری همواره محصولات به طور متناسبی توزیع می شود و یا ممکن است که به طور متناسبی توزیع شوند^(۲)".

"از این تئوری چنین بر می آید، که حتی در باز تولید و گردش کاملاً بی درد سر و متناسب سرمایه اجتماعی هم، تضاد میان رشد تولید و محدودیت مصرف ناگزیر است.

به علاوه در واقع امر روند سامان دهی بی دردسرا و با تناسب کمال مطلوب پیش نمی رود، بلکه از درون "تنگناها" ، "نوسان ها" ، "بحران ها" و غیره می گذرد^(۳)".

بنابر این فراهم آوردن شرایط و محمل های ضرور برای اینکه بازتولید سرمایه داری مسیر متناسب و بی دردسرا داشته باشد خواست کمال مطلوب سرمایه داری است، اما

(۱) کاپیتال. جلد دوم، از مجموعه آثار مارکس و انگلش، چاپ روسی ، جلد ۲۴ ص. ۵۶۷

(۲) لنین "باز هم درباره مسئله مربوط ه تئوری سامان دهی" مجموعه آثار ، چاپ چهارم، جلد چهارم روسی.

صف ۶۴-۶۱

(۳) همان اثر. ص ۷۶

و اقیعت سرمایه داری نیست. واقعیت زمین تا آسمان با این کمال مطلوب تفاوت دارد. باز تولید سرمایه داری روند است پر از تضادهای عمیق و آشتی ناپذیر که هر یک انعکاسی از تضاد اصلی سرمایه داری اند.

تضاد اصلی سرمایه داری عبارت است از تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و تصاحب و تملک سرمایه داری، در این شیوه تولید نیروی مولده به سرعت رشد می کنند و تولید به طور روزافزونی خصلت اجتماعی به خود می گیرد. اما مالکیت وسائل تولید و محصول تولید شده به نسبت تکامل سرمایه داری در دست عده هرچه کمتری سرمایه دار مرکز می شود که تمام نعمت و موهبت حاصل از خصلت اجتماعی تولید را به خود اختصاص می دهد.

این تضاد باز تولید سرمایه داری را با دشواری های فراوان و یا بحرانهای ادواری رویرو می سازد. گردش سرمایه اجتماعی دلخواه نیست. قوانین و محمل ها و شرایطی دارد که ما در صفحات پیش یاد کردیم. اما وقتی مالکیت سرمایه اجتماعی و محصول کل اجتماعی، در دست افراد جدگانه ای باشد که هر یک می کوشد به حساب دیگری و عليه دیگری سهم بیشتری از ارزش اضافی را غارت کند و برخود اختصاص دهد، کدام مرجع است که می تواند قوانین و محمل های ضرور باز تولید را طبق برنامه مراعات کند؟ سرمایه اجتماعی، که با رشد سرمایه داری خصلت واقعاً اجتماعی پیدا کرده و به صورت سرمایه واحدی در آمده، تنها وقتی می تواند به طور عادی بگردد و تناسب های لازم در باز تولید آن برقرار باشد که مالکیت آن نیز از حالت انفرادی کاپیتالیستی – بیرون آمده خصلت اجتماعی سوسیالیستی به خود بگیرد.